

Manutschehr Amirpur

Wörterbuch der Politik, Teil 7

Säbelrasseln	نمایش و مانور تهدیدآمیز
Sabotage	خرابکاری ، سابتاژ
Sabotageabwehr	ضد خرابکاری، ضد سابتاژ
Sabotageakt	عمل خرابکاری
Saboteur	خرابکار
sabotieren	خرابکاری کردن
Sache ernste - wichtige -	امر ، قضیه امر جدی ، امر خطیر امر مهم
sachlich -e Kritik -er Zusammenhang	موضوعی ، واقعی ، عینی ، مربوط به موضوع انتقاد عینی ارتباط موضوعی
Sachverhalt	واقع امر
Sachverständige	کارشناسان
Sachverständigen- ausschuß	کمیته / کمیسیون / شورای کارشناسان
Sachverständigen- bericht	گزارش کارشناسان
Sachverständigen- gutachten	نظریه کارشناس / کارشناسان
Sachwalter	ولی امر
Sackgasse	بن بست
Sahara	صحرا
saisonal	فصلی ، موسمی
Saisonarbeit	کارفصلی
Saisonarbeiter	کارگرفصلی
Saisonarbeits- losigkeit	بیکاری فصلی
säkular	علمانی ، ناسوتی ، دنیائی ، دنیاورز

Satrap	ساتراپ ، استاندار ، والی
Satzung	اساسنامه
säubern	تصفیه کردن
Säuberung politische -	تصفیه تصفیه سیاسی
Saudi-Arabien	عربستان سعودی
Schaden - zufügen - an Menschen und Material zufügen	ضرر ، خسارت ضرر / خسارت رساندن ضرر جانی و مالی رساندن
Schadenersatz	جبران خسارت
schädlich	مضر
schaffen eine Organisation - einen Präzedenzfall -	ایجادکردن ، خلق کردن سازمانی ایجادکردن رویه، قضائی ایجادکردن
Schaffung	ایجاد
Schah	شاه
Schahregime	رژیم شاه
Schande	ننگ ، عار
Schandfleck	لکه ننگ
Schandmauer	دیوار ننگ آور
Schandvertrag	قرارداد ننگ آور
scharf -er Ton	تند ، شدید شدیدالحن
Scharfmacher	تندرو
Scharmützel	زدو خورد مختصر
Schattenkabinett	کابینه، پیشنهادی حزب مخالف
Schattenregierung	دولت پیشنهادی حزب مخالف
Schatzamt	خزانه داری
Schatzmeister	خزانه دار ، صندوقدار
Schatzministerium	وزارت خزانه داری
Schaukelpolitik	سیاست نوسانی ، سیاست الله کلنگی

Schauprozeß	محاكمه، نمایشی
Scheich	شیخ
Scheichtum	شیخ نشین
Scheinangriff	حمله ظاهری
Scheinfrieden	صلح ظاهری
scheitern die Verhandlungen -	شکست خوردن، موفق نشدن، عقیم ماندن مذاکرات با شکست مواجه می‌شود
Scheitern zum - bringen zum - verurteilt sein - der Gipfelkonferenz	شکست، عدم توفیق با شکست مواجه کردن محکوم به شکست بودن شکست کنفرانس سران
Schema	نمودار، طرح
Scherif	شریف، از اولاد پیغمبر (از طریق امام حسن)
Scherifenreich	سرزمین خاندان شریف
Schia	شیعه
Schicht ärmere -en ausgebeutete - gesellschaftliche -en parasitäre - werktätige - wohlhabende -	قشر اقشار فقیر قشر استثمار شده اقشار اجتماعی قشر طفیلی قشر زحمت کش قشر مرفه
Schiedsabkommen	موافقتنامه داوری
Schiedsausschuß	کمیته داوری
Schiedsgericht	دادگاه داوری
Schiedsgerichtsbarkeit obligatorische - verbindliche -	(قضاوت) داوری داوری اجباری داوری الزام آور
Schiedsgerichtshof	دیوان داوری
Schiedsgerichtsklausel obligatorische -	ماده قضاوت داوری، قید و شرط داوری ماده داوری اجباری، قید و شرط داوری اجباری
Schiedshof ständiger -	دیوان داوری دیوان دائمی داوری
Schiedsklausel	ماده داوری، قید و شرط داوری در قرارداد
Schiedskommission	کمیته داوری، کمیسیون داوری

Schiedsrichter	داور ، حکم
Schiedsrichterrolle	نقش داور
Schiedsrichterspruch	رای داور
Schiedsstelle	داوری (محل)
Schiedsübereinkommen	موافقتنامه داوری
Schiedsgerichtsverfahren	روش / رویه داوری
Schiedsvertrag	قرارداد داوری
Schiedsweg	طریق داوری
Schicksal	سرنوشت
Schiffahrt freie -	کشتیرانی - کشتیرانی آزاد
Schiffahrtsabkommen	موافقتنامه کشتیرانی
Schiffahrtsfreiheit	آزادی کشتیرانی
Schiffahrtsorganisation	سازمان کشتیرانی
Schiffahrtsvertrag	قرارداد کشتیرانی
Schiismus	شیعه (گری)
Schiit, schiitisch	شیعی
Schild atomarer -	سپر سپر اتمی
Schirmherrschaft unter der -	توجهات ، حمایت درظل / تحت توجهات
Schlacht - von Dünkirchen - von Waterloo heftige -	نبرد ، غزوه نبرد دونکیرک نبرد واترلو نبرد شدید
Schlag atomarer - präventiver - selektiver - Fähigkeit zum ersten - Strategie des ersten -es	ضربه ضربه اتمی ضربه پیشگیر ضربه انتخابی / گزیده توانائی ضربه اول استراتژی ضربه اول
Schlagkraft atomare -	نیروی ضربتی نیروی ضربتی اتمی
Schlagwort	شعار

Schlagzeile(n)	راس مطلب ، رووس مطلب
schlichten einen Streitfall -	داوری کردن ، وساطت کردن دریک دعوی داوری / وساطت کردن
Schlichter	داور ، واسطه ، مصالحه
Schlichtung	داوری ، مصالحه ، رفع اختلاف
Schlichtungsgespräch	مذاکره ، رفع اختلاف
Schlichtungskommission	کمیسیون حل اختلاف / داوری
Schlichtungsstelle	هیات حل اختلاف ، هیات داوری
Schlichtungsverfahren	روش داوری
Schließung	بستن
- der Grenze	بستن مرز
- eines Hafens	بستن بندر
- eines Konsulats	بستن کنسولگری
- einer Sitzung	خاتمه دادن به جلسه
Schluß	خاتمه ، پایان
zum -	در خاتمه
- der Debatte	پایان بحث
Schlußabstimmung	رای گیری نهائی
Schlußakte	سند نهائی
- der Konferenz über Sicher- heit und Zusammenarbeit in Europa	سند نهائی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا
Schlußansprache	سخنرانی / خطابه نهائی
Schlußantrag	درخواست نهائی ، نتیجه گیری (درکنفرانس)
Schlußbericht	گزارش نهائی
Schlußbestimmung	قرار نهائی ، مقررات نهائی
Schlüsselfaktor	عامل اصلی ، عامل محوری
Schlüsselfrage	مسئله اصلی / محوری
Schlüsselfunktion	وظیفه اساسی
Schlüsselindustrie	صنعت اصلی / کلیدی
Schlüsselrolle	نقش اساسی / کلیدی
Schlüsselstelle	موقعیت (مقام) اساسی / کلیدی
Schlüsselwährung	ارز جهان روا ، ارز کلیدی

Schlußfeier	جشن نهائی
schlußfolgern	نتیجہ گرفتن
Schlußfolgerung	استنتاج
Schlußkommunique	اعلامیہ نهائی
Schlußprotokoll	پروتکل نهائی
Schlußrede	سخنرانی نهائی
Schlußsitzung	جلسہ نهائی
Schmuggel	قاچاق
Schnellverfahren	دادرسی اختصاری
Schönfärberei	شاخ و برگ دادن
schonungslos	بی ملاحظہ
schöpferisch	خلاق
Schottland	اسکاٹلند
Schranken verfassungsrechtliche -	محدودیت ها ، حدود محدودیت های قانون اساسی
Schrecken	وحشت
schrecklich Iwan der Schreckliche	مخوف ، ترس آور ایوان مخوف
Schreibkanzlei	دفتر نگارش
Schriftstücke	اسناد و مدارک
Schriftwechsel	مکاتبہ
Schritt gemeinsamer -	اقدام اقدام مشترک
Schritte diplomatische - - bei einer Regierung unternehmen	اقدامات اقدامات دیپلماتیک اقداماتی نزد دولتی بعمل آوردن
schrittweise	تدریجی
Schuld	بدهی ، قرضہ ، تقصیر
Schuldenaufnahme	استقراض ، وامگیری
Schuldendienst	بازپرداخت بدهی بابتہ

Schuldenpolitik	سیاست استقراض ، سیاست وامگیری
schuldig	مقصر ، مقروض
Schuldkomplex	عقده، گناه
Schuldner	بدهکار
Schuldnerland	کشور بدهکار
Schutz	حمایت ، حفاظت ، حفظ و حراست
militärischer -	حمایت نظامی
- der Staatsangehörigen	
im Ausland	حمایت اتباع در خارج کشور
- der Zivilbevölkerung	حمایت غیرنظامیان
diplomatischer -	حفظ و حراست دیپلماتیک
konsularischer -	حفظ و حراست کنسولی
Schutzbündnis	پیمان دفاعی
Schützengraben	سنگر
Schutzherrschaft	تحت الحمایگی ، قیمومت
Schutzklausel	شرط استثناء ، ماده‌ای که حکم کلی آن استثنائی داشته باشد
Schutzmacht	قدرت حامی
Schutzmaßnahmen	اقدامات حفاظتی
Schutzschild	سپر حفاظتی
atomarer -	سپر حفاظتی اتمی
Schutzstaat	کشور حامی
Schutzzoll	حقوق گمرکی حمایتی
Schutzzollpolitik	سیاست گمرکی حمایتی
Schwankung	نوسان ، تغییر ، بی‌ثباتی
konjunkturelle -en	نوسانات اقتصادی
saisonale -en	نوسانات فصلی
Schwankungsbreite	میزان نوسانات
Schwarzmalerei	تصویر بدبینانه
schwebend	در حال تعلیق ، بلا تکلیف
Schwede	سوئدی (اهل)
schwedisch	سوئدی (صفت)
Schweiz	سوئیس
Schweizer	سوئسی (اهل)

schweizerisch	سوئسی (صفت)
Schweizergarde	گارد واتیکان
Schwelle atomare -	آستانه آستانه اتمی
Schwerindustrie	صنعت سنگین
Schwesterpartei	حزب خواهر ، حزب هم مسلک
Schwierigkeit auf - stoßen	مشکل ، مسئله بامشکل / مسئله مواجه شدن
Schwurgericht	دادگاه هیات منصفه
SDI (Abk.f.: Strategic Defence Initiative, dt.: Strategische Verteidigungsinitiative)	ابتکار دفاع استراتژیک
SEATO (Abk. für: South East Asia Collective Defence Treaty Organization, dt.: Südost- asiatische Verteidigungspakt- Organisation)	سازمان پیمان دفاعی جنوب شرقی آسیا
SED (Abk. für Sozialistische Einheitspartei Deutschlands)	حزب وحدت سوسیالیستی
Seeaufklärung	(پرواز) اکتشاف دریائی
Seeasyl	پناهاگاه دریائی ، ملجاء دریائی
Seebeuterecht	حقوق / قانون غنیمت دریائی
Seeblockade	محاصره دریائی
Seegebiet	قلمرو دریائی
Seegerichtsbarkeit	قلمرو / حق قضاوت دریائی
Seegrenze	مرزهای دریائی
Seeherrschaft	سلطه دریائی
Seehoheitsgebiet	قلمرو دریائی
Seekrieg	جنگ دریائی
Seekriegsrecht	حقوق / قوانین جنگ دریائی
Seelandung	پیااده کردن نیرواز طریق دریا

Seemacht	قدرت دریائی
Seeräuber	راهزن دریائی
Seeräuberei	راهزنی دریائی
Seerecht internationales -	حقوق دریا حقوق بین الملل دریا
Seerechtsdeklaration	بیانیه حقوق دریا
Seeschiffahrt	دریانوردی
Seeschlacht	نبرد دریائی
See-See-Rakete	موشک دریا بدریا
Seestreitkräfte	نیروهای دریائی
Seeüberlegenheit	تفوق / برتری دریائی
Seevölkerrecht	حقوق بین الملل دریائی
Segregation s. Apartheid	تبعیض نژادی
Seym	مجلس ملی لهستان
Sekretär Erster -	منشی ، دبیر دبیر اول
Sekretariat - der Vereinten Nationen Ständiges - der UNESCO	دبیرخانه دبیرخانه سازمان ملل متحد دبیرخانه دائمی یونسکو
Sekte	فرقه
Sektierertum	فرقه گرایی
Sektion	بخش (اداری)
Sektionschef	رئیس بخش
Sektor gemischter - öffentlicher - privater - sekundärer - tertiärer -	بخش بخش مختلط / مشترك بخش عمومی بخش خصوصی بخش ثانوی / ثانی بخش ثالث
selbständig	مستقل
Selbständigkeit	استقلال
Selbstbestimmung	خودگزینی

Selbstbestimmungsrecht	حق خود گزینی
Selbsterhaltung	صیانت نفس
Selbsterhaltungsrecht	حق صیانت نفس
Selbsthilfe	خودیاری
Selbstkritik	انتقاد از خود
Selbstregierung	خودمختاری دولتی
Selbstverteidigung	خودپدافندی ، دفاع از خویشتن
Selbstverteidigungsrecht	حق دفاع از خویشتن
Selbstverwaltung	خودمختاری اداری
Selbstzensur	خودسانسوری
Seminar	سمینار
Senat	سنا
Senator	سناتور
Senatsausschuß	کمیسیون مجلس سنا
Senatswahlen	انتخابات مجلس سنا
Sendbote	فرستاده ، پیام آور
Sendestaat s.: Entsendestaat	دولت فرستنده / اعزام کننده
Separatabkommen	موافقتنامه ، مجزا
Separatfrieden	صلح مجزا
Separatismus	تجزیه طلبی
Separatist	تجزیه طلب
Separatistenbewegung	نهضت تجزیه طلبی
Separatverhandlungen	مذاکرات مجزا
Separatvertrag	قرارداد مجزا
Sequestration	توقیف مال تاخاتمه دادرسی ، قرار توقیف اموال خوانده ، ضبطاً اموال اتباع دشمن (در حقوق بین الملل)
sequestrieren	توقیف کردن ، اعراض از حق یا مال
Sezession	تجزیه
Sezessionismus	تجزیه طلبی

Sezessionist	تجزیه طلب
Sezessionskrieg	جنگ تجزیه طلبی
Shura	شوری
Sicherheit	امنیت
- zur See	امنیت دریائی
- des Staates	امنیت کشور
äußere -	امنیت خارجی
gemeinsame -	امنیت جمعی / مشترك
innere -	امنیت داخلی
internationale -	امنیت بین المللی
kollektive -	امنیت جمعی
militärische -	امنیت نظامی
öffentliche -	امنیت عمومی
persönliche -	امنیت فردی
soziale -	امنیت اجتماعی
staatliche -	امنیت کشوری
vertragliche -	امنیت قراردادی
Bedrohung der inneren -	تهدید امنیت داخلی
die - beeinträchtigen	به امنیت لطمه زدن
die - gefährden	امنیت را باخطر افکندن
die - gewährleisten	امنیت را تامین کردن
Sicherheitsanforderungen	نیازهای امنیتی
Sicherheitsbeamter	مامور امنیتی / تامینات
Sicherheitsausschuß	کمیسیون امنیت
Sicherheitsbehörde	اداره امنیت
Sicherheitsbestimmungen	مقررات ایمنی / امنیتی
Sicherheitsbündnis	پیمان امنیت
Sicherheitsdienst	سازمان امنیت
- für Spionageabwehr	سازمان امنیت ضد جاسوسی
Sicherheitserwägungen	ملاحظات امنیتی
Sicherheitsfond	صندوق ضمانت
Sicherheitsgarant	ضامن امنیت
Sicherheitsgarantie	تضمین امنیت
Sicherheitsinteressen	مصالح امنیتی
Sicherheitsklausel	شرط استثناء ، شرط تامین
Sicherheitskomitee	کمیته امنیت
Sicherheitskonferenz	کنفرانس امنیت

Sicherheitskräfte	نیروهای امنیتی
Sicherheitsmacht	قدرت ضامن (اجراء)
Sicherheitsmaßnahmen	اقدامات امنیتی
Sicherheitsoffizier	افسر تأمینات
Sicherheitsorgane	نهادهای امنیتی
Sicherheitsventil	دریچه اطمینان
Sicherheitspakt kollektiver -	پیمان امنیت پیمان امنیت جمعی
Sicherheitspolitik gemeinsame europäische -	سیاست امنیت سیاست امنیت جمعی اروپا
Sicherheitsrat Mitglied des -es nichtständiges Mitglied des -es Resolution des -es Nationaler -	شورای امنیت عضو شورای امنیت عضو غیر دائمی شورای امنیت قطعنامه شورای امنیت شورای امنیت ملی
Sicherheitsstreitkräfte	نیروهای امنیتی
Sicherheitssystem kollektives -	سیستم / نظام امنیتی نظام امنیتی جمعی
Sicherheitsvertrag	قرارداد / پیمان امنیت
Sicherheitsvorkehrungen	ترتیبات امنیتی
Sicherheitszone	منطقه امنیتی
sichern	تضمین کردن ، تأمین کردن
Sicherung soziale - - des Friedens	تأمین ، تضمین تأمین اجتماعی تأمین صلح
Sichtvermerk	روادید ، ویزا
Siedler	مستعمره نشین
Siedlung	۱- مستعمره ، شهرک ۲- اسکان
Siedlungspolitik	سیاست اسکان
Sieg totaler -	پیروزی پیروزی کامل
siegen	پیروز شدن

Sieger - und Besiegter	غالب ، پیروز غالب و مغلوب
Siegermächte	قدرت‌های پیروز
Signatarstaaten	دولت‌های امضاکننده
signieren	امضا کردن
Simultanübersetzung	ترجمه همزمان
Sinn - des Vertrages	مضمون ، مفهوم مضمون قرارداد
sinngemäß	طبق مضمون
Sit-in	اعتصاب نشسته
Situation innenpolitische - weltwirtschaftliche -	وضع وضع سیاست داخلی وضع اقتصادی جهان
Sitz die zu besetzenden -e einen - gewinnen für einen - kandidieren einen - niederlegen	کرسی کرسی‌های قابل اشغال یک کرسی بدست آوردن برای یک کرسی نامزد شدن از یک کرسی کناره گرفتن
Sitzanordnung	ترتیب نشستن
Sitzanteil	نسبت / سهم کرسی‌ها
Sitzermittlung	تعیین تعداد کرسی‌ها
Sitzneuverteilung	تقسیم بندی کرسی‌ها
Sitzordnung	ترتیب نشستن
Sitzstreik	اعتصاب نشسته
Sitzung abschließende - außerordentliche - formelle - gemeinsame - konstituierende - nichtöffentliche - öffentliche - ordentliche - - auf höchster Ebene - des Ministerrates - hinter verschlossenen Türen eine - abhalten eine - anberaumen eine - einberufen eine - eröffnen	جلسه ، نشست جلسه نهائی جلسه فوق‌العاده جلسه تشریفاتی / رسمی جلسه مشترك جلسه ، موسان جلسه ، غیرعمومی جلسه ، عمومی جلسه ، عادی جلسه در سطح عالی جلسه ، هیات وزیران جلسه ، پشت درهای بسته جلسه‌ای برگزار کردن تاریخ جلسه‌ای را اعلام کردن تاریخ جلسه‌ای را اعلام کردن جلسه‌ای را افتتاح کردن

in einer - das Wort ergreifen	در جلسه‌ای رشته‌سخن را بدست گرفتن
bei einer - den Vorsitz führen	ریاست جلسه‌ای را برعهده گرفتن
Sitzungsbeginn	شروع جلسه
Sitzungsbericht	گزارش جلسه
Sitzungsperiode parlamentarische -	دوره اجلاس دوره، اجلاس پارلمانی، دوره مجلس
Sitzungsprotokoll	صورتجلسه
Sitzungsschluß	خاتمه جلسه
Sitzungsvertagung	به تعویق انداختن جلسه
Sitzungsvorstand	ریاست جلسه
Sitzverteilung	تقسیم بندی کرسی‌ها
Sizilien	سیسیل
Skandal	رسوائی، افتضاح
Skandinavien	اسکاندیناوی
skandinavisch	اسکاندیناوی (صفت)
skeptisch	شکاک، دیرباور
Sklavenhalter- gesellschaft	جامعه برده دار
Sklavenhandel	برده فروشی
Sklaverei	برده داری
Slogan	شعار
Soldat	سرباز
Soldatenkönig	پادشاه سربازان، فریدریش ویلهلم اول پروسی
Soldatenrat	شورای سربازان
Söldner	مزدور
Söldnerheer	ارتش مزدوران
solidarisch sich - erklären	همبسته اعلام همبستگی کردن
Solidarität	همبستگی
Solidaritätsaktion	اقدام همبستگی

Solidaritätsbekundung	اعلام همبستگی
Solidaritätskomitee	کمیته همبستگی
Solidaritätsmeeting	اجتماع همبستگی
Solidaritätsstreik	اعتصاب همبستگی
somalisch	سومالی (صفت)
Sommersitz	اقامتگاه تابستانی
Sonderabkommen	موافقتنامه ویژه
Sonderausschuß - der Vereinten Nationen	کمیسیون ویژه کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد
Sonderbeauftragter	نماینده، ویژه
Sonderbotschafter	سفیر ویژه، فرستاده ویژه
Sonderflugzeug	هواپیمای ویژه ، هواپیمای اختصاصی
Sonderfond - der UNO	صندوق ویژه صندوق ویژه سازمان ملل متحد
Sonderfrieden	صلح ویژه
Sondergenehmigung	مصوبه، ویژه
Sondergesetz	قانون ویژه
Sonderhaushalt	بودجه تکمیلی
Sondermaschine	هواپیمای اختصاصی ، هواپیمای ویژه
Sondermission	ماموریت ویژه ، ماموریت فوق العاده
Sonderparteitag	کنگره، فوق العاده حزب
Sonderrecht diplomatische -e	حق ویژه حقوق ویژه دیپلماتیک
Sondersitzung	جلسه فوق العاده
Sonderstatus	وضع خاص
Sonderstellung	موقعیت ممتاز
Sondervollmachten	اختیارات فوق العاده / ویژه
Sonderzug	قطار اختصاصی / ویژه
sondieren	استمزاز کردن
Sondierung	استمزاز، اکتشاف

souverän	حکمران
Souveränität	حاکمیت
Beeinträchtigung der -	لطمه به حاکمیت
Verletzung der -	صدمه به حاکمیت
Wiederherstellung der -	برقراری مجدد حاکمیت
- des Volkes	حاکمیت خلق / مردم
äußere -	حاکمیت خارجی
innere -	حاکمیت داخلی
territoriale -	حاکمیت ارضی
Souveränitätsakt	عمل حاکمیت
Souveränitätsrecht	حق حاکمیت
Sowjet	مجلس سوویت ، شورا
Oberster -	مجلس اعلاى شوروى
sowjetisch	شوروى ، سوويتى
Sowjetarmee	ارتش شوروى
sowjetisieren	شورائى كردن ، تحت استيلاى اتحاد شوروى درآوردن (مفهوم منفى)
Sowjetregierung	دولت شوروى
Sowjetrepublik	جمهورى شوروى
sozial	اجتماعى
-er Frieden	آرامش اجتماعى
-es Gefüge	ساختار اجتماعى
-e Gleichheit	برابرى اجتماعى
-e Grundrechte	حقوق بنيادى اجتماعى
-e Indikatoren	شاخص هاى اجتماعى
-e Klasse	طبقه اجتماعى
-e Kosten	هزينه هاى اجتماعى
-e Marktwirtschaft	اقتصاد آزاد اجتماعى
-e Ordnung	نظم / نظام اجتماعى
-e Sicherheit	تامين اجتماعى
-er Status	مقام / موقعيت اجتماعى
-e Unruhen	ناآرامى اجتماعى
-er Wandel	تحول اجتماعى
Sozialabgaben	حق بيمه هاى اجتماعى
Sozialausgaben	هزينه هاى اجتماعى
Sozialausschuß	كميسيون امور اجتماعى
Sozialbudget	بودجه امور اجتماعى
Sozialdemokrat	سوسيال دموكرات
Sozialdemokratie	سوسيال دموكراسى

Sozialdemokratische Partei	حزب سوسیال دموکرات
Sozialfonds	صندوق امور اجتماعی
Sozialfürsorge	مراقبت اجتماعی
Sozialgerichtsbarkeit	صلاحیت قضاوت اجتماعی
Sozialgesetzgebung	قانونگذاری اجتماعی
sozialisieren	اجتماعی کردن
Sozialisierung	جامعه پذیری ، اجتماعی شدن
Sozialismus	سوسیالیسم ، سوسیالیزم
- mit menschlichem Gesicht	سوسیالیزم باقیافه انسانی
realexistierender -	سوسیالیزم واقعی
utopischer -	سوسیالیزم خیالی
wissenschaftlicher -	سوسیالیزم علمی
Sozialist	سوسیالیست
sozialistisch	سوسیالیستی
Sozialistische Einheitspartei Deutschlands (SED)	حزب وحدت سوسیالیستی
Sozialistische Internationale	انترناسیونال سوسیالیست
sozialistisches Lager	اردوگاه سوسیالیستی
Sozialistische Partei Österreichs (SPÖ)	حزب سوسیالیست اتریش
Sozialminister	وزیر امور اجتماعی
Sozialökonomie	اقتصاد ملی
Sozialordnung	نظام اجتماعی
Sozialpartner	کارفرما و کارکن ، اتحادیه کارفرمایان و کارگران
Sozialphilosophie	فلسفه اجتماعی
Sozialplanung	برنامه ریزی اجتماعی
Sozialpolitik	سیاست اجتماعی
Sozialprodukt	تولید ملی
nominales (reales) -	تولید ملی اسمی (واقعی)
Schrumpfung des -es	کاهش تولید ملی
Wachstumsrate des -es	نرخ رشد تولید ملی
- pro Kopf der Bevölkerung	تولید ملی سرانه

Sozialproduktzuwachs	رشد تولید ملی
Sozialpsychologie	روانشناسی اجتماعی
Sozialrat	شورای اجتماعی
Sozialrecht	قوانین اجتماعی
Sozialreform	اصلاحات اجتماعی
Sozialstaat	دولت اجتماعی
Sozialstruktur	ساختار اجتماعی
Sozialtheorie	نظریه اجتماعی
Sozialverfassung	رژیم اجتماعی ، نظام اجتماعی
Sozialversicherung	بیمه اجتماعی
Soziologie	جامعه شناسی
Sozioökonomie	اقتصاد ملی / اجتماعی
sozioökonomisch	اقتصادی - اجتماعی
spalten	تفرقه انداختن
Spaltung innerparteiliche -	تفرقه تفرقه - درون حزبی
Spanier	اسپانیایی
spanisch	اسپانیایی (صفت)
Spannung soziale -en starke -en Abbau der -en Zunahme der -en die -en mindern / verringern	تنش ، تنش تنش های اجتماعی تنش های شدید رفع تنش / کاهش تنش ها افزایش تنش ها کاهش دادن تنش ها
Spannungsfall	وضع متشنج
Spannungsgebiet	منطقه متشنج
Spannungsherd	منشا ، تشنج
Spannungszustand	وضع متشنج
Sparhaushalt	بودجه صرفه جوئی
Sparmaßnahmen	اقدامات برای صرفه جوئی
Sparpolitik	سیاست صرفه جوئی

Sparprogramm	برنامه، صرفه جویی
SPD (Abk.f.: Sozialdemokratische Partei Deutschlands)	حزب سوسیال دموکرات آلمان
Speerspitze	پیشتاز، سرنیزه
Sperrstunde	منع عبور و مرور، قرق
Spekulant	سوداگر، سفته باز
Spekulation	۱- سوداگری، سفته بازی ۲- گمانه زنی، نظربرداری
spekulieren	۱- سفته بازی کردن، سوداگری کردن ۲- گمانه زنی کردن، نظربرداری
Spende	اعانه، بخشش
spenden	بخشیدن، اعانه دادن
sperrern	بستن، سد کردن، مانع شدن
Sperrfrist	مهلت مانع (افشاء خبر)
Sperrklausel	ماده، مانع (برای ورود به مجمع یا قرار دادی)
Sperrminorität	اقلیت مانع
Spezialisierung	تخصص
Spezialist	متخصص
Spielregeln parlamentarische -	رویه / تشریفات کار رویه کار پارلمانی
Spionage - treiben	جاسوسی جاسوسی کردن
Spionageabwehr	ضد جاسوسی
Spionageabwehrdienst	سازمان ضد جاسوسی
Spionageflugzeug	هواپیمای اکتشافی
Spionagering	شبکه جاسوسی
Spionagesatellit	ماهواره اکتشافی
Spitze an der - der Delegation	راس در راس هیات
Spitzenkandidat	سرآمد نامزدها
Spitzenorganisation	سازمان عالی
Spitzenpolitiker	سیاستمدار ارشد

Spitzenverband	اتحادیه عالی
Split	شکاف ، تفرقه
Splitterbombe	بمب خوشه‌ای
Splittergruppen linke (rechte) -	گروهک‌ها ، گروههای متفرقه گروهک‌های چپ (راست)
Splitterparteien	احزاب متفرق
SPö (Abk.f.: Sozialistische Partei Österreichs)	حزب سوسیالیست اتریش
spontan	ارتجالی ، خودانگیخته ، بصرافت طبع
Spontanität	خود انگیختگی ، صرافت طبع ، حرکت ارتجالی
Sprachenfrage	مسئله اختلاف زبان
Sprachgrenze	مرز زبان
Sprachpolitik	سیاست زبان
Sprachrohr	ارگان (سخنگو)
Sprecher offizieller - - der Regierung	سخنگو سخنگوی رسمی سخنگوی دولت
Sprengkopf atomarer -	کلاهک موشک کلاهک اتمی
Sprengkörper	جسم منفجرشونده
Sprengkraft	قدرت انفجاری
Sprengstoff	ماده منفجره
Spruchband	باند رول ، پرچم شعار
Sprungbrett	نردبان ترقی ، جستگاه
SPS (Abk.f.: Sozialdemokratische Partei der Schweiz)	حزب سوسیال دموکرات سویس
Staat	دولت ، کشور
angrenzender -	دولت / کشور همسایه
assoziiierter -	دولت / کشور پیوسته
befreundeter -	دولت / کشور دوست
beitretender -	دولت / کشور پیوسته
besetzter -	کشور اشغالی
blockfreier -	کشور غیر متعهد

demokratischer -	دولت / کشور دموکراتیک
diktatorischer -	دولت دیکتاتور
kriegsführender -	کشور متحارب
multinationaler -	کشور چند ملیتی
neutraler -	کشور بیطرف
nichtanerkannter -	کشور برسمیت شناخته نشده
nichtatomarer -	کشور غیر اتمی
selbständiger -	کشور مستقل
souveräner -	کشور دارای حاکمیت
sozialistischer -	کشور سوسیالیست
totalitärer -	کشور توتالیتر
unabhängiger -	کشور مستقل
vertragsbrüchiger -	دولت / کشور پیمان شکن
vertragschließender -	دولت/کشور متعاقد
-en mit unterschiedlicher Gesellschaftsordnung	کشورهای دارای نظام اجتماعی متفاوت
- im Staate	دولت در دولت
Staaten	ایالات
Vereinigte -	ایالات متحده
Staatenbund	کنفدراسیون کشورها
Staatengemeinschaft	جامعه کشورها
staatenlos	بی تابعیت
Staatenlosigkeit	بی تابعیتی
Staattennachfolge	جانشینی کشور
Staattensukzession	جانشینی کشور
Staatenunion	اتحادیه کشورها
staatlich	دولتی ، دولت
- gelenkt	تحت رهبری دولت
- subventioniert	با سوبسید دولتی
-er Eingriff	مداخله دولت
-e Kontrolle	کنترل دولتی
-e Stelle	سازمان دولتی
-er Zuschuß	کمک مالی / سوبسید دولتی
Staatsabsolutismus	حکومت مطلقه
Staatsakt	اقدام رسمی دولتی
feierlicher -	تشریفات رسمی دولتی
Staatsangehöriger	تبعه
ausländiger -	تبعه خارجی
Staatsangehörigkeit	تابعیت
doppelte -	تابعیت مضاعف
erworbene -	تابعیت مکتسبه
Anerkennung der -	برسمیت شناختن تابعیت
Beibehaltung der -	حفظ تابعیت

Entlassung aus der -	ترخیص از تابعیت
Erwerb der -	کسب تابعیت
Nachweis der -	سند تابعیت
Verlust der -	از دست دادن تابعیت
die - aberkennen	از تابعیت محروم کردن
eine - annehmen	تابعیتی را پذیرفتن
eine - verleihen	تابعیتی را اعطا کردن
Staatsanwalt	دادستان
Staatsanwaltschaft	دادستانی
Staatsapparat	دستگاه دولتی
Staatsaufbau	ساختار کشوری / نظام کشوری
föderalistischer -	ساختار فدراتیو کشوری
Staatsaufsicht	نظارت دولتی
Staatsausgaben	هزینه‌های دولتی
Staatsausgaben-	
drosselung	کاهش هزینه‌های دولتی
Staatsausgabenerhöhung	افزایش هزینه‌های دولتی
Staatsautorität	اقتدار دولت
Staatsbankrott	ورشکستگی دولت
Staatsbeamter	کارمند دولت
Staatsbeauftragter	مامور دولت
Staatsbeihilfe	کمک هزینه دولتی
Staatsbegräbnis	تشییع جنازه رسمی / دولتی
Staatsbesitz	ملک دولت
Staatsbesuch	دیدار رسمی
Staatsbürger	تبعه
staatsbürgerlich	مدنی
Staatsbürgerkunde	تعلیمات مدنی
Staatsbürgerpflichten	وظایف اتباع
Staatsbürgerrechte	حقوق اتباع
Staatsbürgerschaft	تابعیت
Staatschef	رئیس دولت

Staatsdienst	خدمت دولت
Staatseigentum	ملك / دارائی دولت
Staatseingriff	مداخله دولت
Staatseinnahmen	درآمدهای دولت
Staatsempfang	ضیافت دولتی
Staatsetat	بودجه ملی
Staatsfeind	دشمن دولت
Staatsfinanzen	امور مالی دولت
Staatsflagge	پرچم ملی
Staatsform	ساختار حکومت
Staatsführung	۱- ادارهء کشور ۲- رهبری کشور
Staatsgarantie	تضمین دولتی
Staatsgebiet	قلمرو ارضی دولت
Staatsgefährdung	تهدید (امنیت) کشور
Staatsgeheimnis	سرّ دولتی
Staatsgeschäfte	امور دولتی ، امور کشوری
Staatsgewalt	قوهء عالیہ دولت
Staatshaftung	مسئولیت دولت
Staatsgrenze	مرز کشوری
Staatshaushalt	بودجه ملی
Staatshoheit	حاکمیت ملی
Staatsinteressen	مصالح ملی
Staatsinterventionismus	مداخله دولتی
Staatskapitalismus	سرمایه داری دولتی
Staatskasse	صندوق دولت
Staatskonkurs	ورشکستگی دولت
Staatskontinuität	استمرار دولت
Staatskontrolle	کنترل / نظارت دولت

Staatskunst	فن کشورداری
Staatslehre	نظریه کشورداری
Staatsmann	دولتمرد
Staatsminister	وزیر مشاور
Staatsmonopol	انحصار دولتی
Staatsnotstand	وضع اضطرار ملی
Staatsoberhaupt	رئیس کشور
Staatsorgan	ارگان دولتی ، نهاد دولتی
Staatspartei	حزب دولتی
Staatspräsident	رئیس کشور
Staatsräson	خرد دولت
Staatsrat	شورای دولت
Staatsrecht	حقوق اساسی
Staatsreligion	دین دولتی
Staatsschulden	دیون دولتی
Staatssekretär parlamentarischer -	معاون وزارتخانه معاون پارلمانی وزارتخانه
Staatsicherheit	امنیت ملی / کشوری
Staatsicherheitdienst	پلیس امنیت ملی
Staatssozialismus	سوسیالیسم دولتی
Staatsstreich	کودتا
Staatstrauer	عزای ملی
Staatsvertrag	قرارداد بین دولتها
Staatsunterstützung	حمایت دولتی
Staatsvermögen	دارائی دولت / ملی
Staatsverteidigung	دفاع ملی
Staatsvertrag	قرارداد دولتی
Staatwirtschaft	اقتصاد ملی
Staatswissenschaften	علوم سیاسی

Staatswohl	مصالح ملی / کشوری
Staatszusammenbruch	اضمحلال دولت
Stab	ستاد
stabil	بی ثبات
Stabilisator	تثبیت کننده
stabilisieren	تثبیت کردن
Stabilisierung - der Konjunktur	تثبیت تثبیت وضع اقتصادی
Stabilisierungsfaktor	عامل تثبیت
Stabilisierungspolitik	سیاست تثبیت
Stabilisierungsprogramm	برنامه، تثبیت
Stabilität konjunkturelle - politische - - des Geldwertes - der Kaufkraft	ثبات ثبات اقتصادی ثبات سیاسی ثبات ارزش پول قدرت خرید
Stabilitätsfaktor	عامل ثبات
Stabilitätspolitik	سیاست ثبات
Stabilitätsprogramm	برنامه ثبات
Stabsoffizier	افسر ستاد
Stadium	مرحله
Stadt freie - offene -	شهر - شهر آزاد شهری باز
Stadtbevölkerung	جمعیت شهر
Stadtdirektor	مدیر شهر
Städteplanung	شهر سازی
Stadtguerilla	چریک شهری
Stadtparlament	مجلس ولایتی ، انجمن شهر
Stadtsanierung	نوسازی شهری
Stadtrat	انجمن شهر ، شورای شهر
Stadtratsmitglied	عضو انجمن شهر

Ständiger Ausschuß	کمیسیون دائمی
Standpunkt	نظرگاه ، دیدگاه ، موقف
Standrecht	(قانون) حکومت نظامی
Stärke	قدرت
militärische -	قدرت نظامی
aus einer Position der	
- verhandeln	از موضع قدرت مذاکره کردن
stärken	تقویت کردن
Stärkung	تقویت
State Department	وزارت خارجه آمریکا
stationieren	مستقر کردن ، نصب کردن
Stationierung	استقرار ، نصب
- von Raketen	نصب موشک
- von UN-Truppen	استقرار نیروهای سازمان ملل متحد
Stationierungskosten	هزینه استقرار
Statistik	آمار
amtliche -	آمار رسمی
Statistisches Bundesamt	اداره آمار فدرال
Statthalter	والی
Status	مقام ، وضعیت ، موقعیت ، منزلت
diplomatischer -	مقام / منزلت دیپلماتیک
entmilitarisierter -	وضعیت غیر نظامی
exterritorialer -	وضعیت بیرون مرزی
- quo	وضع موجود
Statuten	اساسنامه
Stegreif	ارتجال ، بداهت
aus dem -	بالبداهه ، ارتجالی
Steigerung	افزایش
- der Arbeitsproduktivität	افزایش بهره‌وری کار
- der Preise	افزایش قیمت‌ها
Steigerungsrate	میزان افزایش
Stelle	موسسه ، سازمان ، نهاد
autonome -	موسسه خودمختار
beratende -n	سازمانهای مشاورتی
halböffentliche -n	نهادهای نیمه رسمی
staatliche -n	موسسات دولتی
zuständige -n	مقامات صلاحیتدار
freie -	محل کار آزاد
staatliche -	محل کار دولتی

Stellenausschreibung	آگهی استخدام
Stellung	مقام ، موضع
Stellungskrieg	جنگ موضعی ، جنگ بی تحرک
Stellvertreter	جانشین ؛ قائم مقام ، معاون
Stellvertreterkrieg	جنگ بالوکاله
Sternenbanner	پرچم آمریکا
Sternenkrieg	جنگ ستارگان
Steuer	مالیات
direkte -n	مالیات های مستقیم
indirekte -n	مالیات های غیرمستقیم
progressive -n	مالیات های تصاعدی
Steuerabkommen	قرارداد مالیاتی
Steueranreiz	انگیزه مالیاتی ، تشویق مالیاتی
Steueraufkommen	درآمدهای / عایدات مالیاتی
Steuerbegünstigung	امتیاز مالیاتی
Steuereinnahmen	درآمدهای مالیاتی
Steuererhebung	اخذ مالیات
Steuererhöhung	افزایش مالیات
Steuererleichterungen	تسهیلات مالیاتی
Steuerfreiheit	معافیت مالیاتی
Steuerpolitik	سیاست مالیاتی
Steuerrecht	قانون مالیات
Steuerreform	اصلاحات مالیاتی
Steuerstrafrecht	قانون کیفری مالیاتی
Steuersystem	نظام مالیاتی
Steuerüberschuß	مازاد درآمد مالیاتی
Steuerung	کنترل ، تنظیم
Steuervergehen	تخلف مالیاتی
Steuerzahler	مالیات دهنده
Stichwahl	انتخاب نهائی

Stiftung	بنیاد
Stiller Ozean	اقیانوس آرام
Stillhalteabkommen	موافقتنامه سکون
Stillhalteklauseel	ماده / قید سکون
stillschweigend	ضمنی
-es Einverständnis	موافقت ضمنی ، سکوت علامت رضا
-e Verlängerung	تمدید باسکوت
Stimmabgabe	رای دادن ، رای گیری
briefliche -	رای گیری کتبی
geheime -	رای گیری سری
namentliche -	رای گیری بنام
offene -	رای گیری آشکار
- durch Handaufheben	رای گیری با بلند کردن دست
stimmberchtigt	دارای حق رای
Stimmberchtigung	حق رای
Stimmbezirk	حوزه انتخاباتی
Stimme	رای
abgegebene -n	آراء داده شده
beratende -	رای مشاورتی
erhaltene -n	آراء دریافت شده
gültige -n	آراء معتبر
ohne -	بدون رای
übertragbare -	رای قابل انتقال
ungültige -n	آراء باطل
Gesamtzahl der abgege- benen -n	مجموع آراء اخذ شده / داده شده
Mehrheit der abgegebe- nen -n	اکثریت آراء داده شده
seine - abgeben	رای خود را دادن
einen Antrag mit 100 -n	درخواستی را با ۱۰۰ رای مثبت و ۵۰ رای منفی و
gegen 50 -n bei 10 Enthäl- tungen ablehnen	۱۰ رای ممتنع رد کردن
mit einer Mehrheit von 6 -n	با اکثریت ۶ رای پذیرفتن / تصویب کردن
annehmen	آراء را شمردن
-n auszählen	رای ممتنع دادن
sich der - enthalten	درخواست رای کردن
um -n werben	سهم آراء
Stimmenanteil	
Stimmenanzahl	تعداد آراء
Stimmenauszählung	شمارش آراء
Stimmenblock	بلوک آراء
Stimmenfang	شکار آراء

Stimmgleichheit bei -	تساوی آراء شرصورت تساوی آراء
Stimmenkauf	خرید آراء
Stimmenmehrheit absolute - einfache - die - besitzen einen Beschluß mit - fassen eine Entscheidung mit - treffen	اکثریت آراء اکثریت مطلق آراء اکثریت ساده آراء دارای اکثریت آراء بودن تصویب نامه ای را با اکثریت آراء گذراندن تصمیمی را با اکثریت آراء اتخاذ کردن
Stimmenminderheit	اقلیت آراء
Stimmenrückgang	کاهش آراء
Stimmenthaltung	امتناع از دادن رای
Stimmenverlust	باختن آراء
Stimmzahl erforderliche -	تعداد آراء تعداد آراء لازم
Stimmzählung	رای شماری
Stimmkarte	ورقه رای
Stimmrecht beschränktes - doppeltes - einfaches - kumulatives - mehrfaches - das - aberkennen das - ausüben	حق رای حق رای محدود حق رای دوگانه حق رای یگانه حق رای مترکام حق رای چندگانه حق رای را سلب کردن از حق رای استفاده کردن
Stimmrechtsausübung	استفاده از حق رای
Stimmrechtsbeschränkung	محدودیت حق رای
Stimmrechtsbevoll- mächtigter	وکیل دارای حق رای
Stimmrechtsmißbrauch	سوء استفاده از حق رای
Stimmrechtsübertragung	انتقال حق رای
Stimmzähler	رای شمار
Stimmzettel leerer - ungültiger -	ورقه رای ورقه رای خالی ورقه رای باطل
Stimmzwang	رای اجباری

Stimulans	محرك ، انگیزه
stimulieren	بر انگیزتن
Stimulierung	انگیزش ، تحريك
Stimulierungsmaßnahmen konjunkturelle -	اقدامات تحرك انگیز / تحريك آور اقدامات تحرك انگیز اقتصادی
stockkonservativ	محافظه کار سرسخت
stolz	مغرور ، مفتخر
Stopp	توقف
Störaktion	اخلال ، عمل اخلالی
stören	اخلال کردن ، مزاحمت ایجاد کردن ، نظم را بهم زدن
Strafaktion	عمل تنبیهی / تادیبی
Strafbefehl	حکم مجازات
Straf- und Disziplinar- gerichtsbarkeit	حق دادرسی کیفری و (انضباط) اداری
Straflager	اردوگاه تادیبی
Strafrecht	قانون / حقوق کیفری
Strafregister	سابقه کیفری ، سوء سابقه ، سوء پیشینه
Straftat	ارتکاب جرم
Strafverfahren	دادرسی کیفری
Strafverfolgung	تعقیب جزائی
Strafversetzung	انتقال تادیبی
Straßenkämpfe	سد / مانع خیابانی ، راه بند
Straßensperre	مبارزات خیابانی
Strategie	استراتژی ، راهبرد ، نیروبرد
außenpolitische -	استراتژی سیاست خارجی
militärische -	استراتژی نظامی
nukleare -	استراتژی هسته‌ای
- der schrittweisen Annäherung	استراتژی نزدیکی تدریجی
- des ersten Schlages	استراتژی ضربه اول
- der massiven Vergeltung	استراتژی مقابله بمثل انبوه
- und Taktik	استراتژی و تاکتیک، تدا بیرلندوکوتاه مدت
strategisch	استراتژیک

Strategische Verteidigungs- initiative (Abk.: SDI)	ابتکار دفاع استراتژیک
Streichung - einer Stelle	حذف حذف يك محل كار
Streik	اعتصاب
begrenzter -	اعتصاب محدود
legitimer -	اعتصاب بحق
organisierter -	اعتصاب سازمان یافته
politisch motivierter -	اعتصاب با انگیزه سیاسی
rechtswidriger -	خلاف قانون
spontaner -	اعتصاب خود انگیخته
unbefristeter -	اعتصاب نامحدود
wilder -	اعتصاب بی نظام
einen - abbrechen	اعتصابی را قطع کردن
zum - aufrufen	به اعتصاب فراخواندن
einen - aussetzen	اعتصابی را بیعده موقوف کردن
einen - beenden	به اعتصابی خاتمه دادن
sich im - befinden	در اعتصاب بودن
einen - beschließen	تصمیم به اعتصاب گرفتن
einen - brechen	اعتصابی را شکستن
einen - fortsetzen	اعتصابی را ادامه دادن
einen - genehmigen	اعتصابی را تصویب کردن
einen - organisieren	اعتصابی را سازمان دادن
einen - schlichten	برای فیصله اعتصابی داوری کردن
an einem - teilnehmen	در اعتصابی شرکت کردن
in - treten	اعتصاب کردن ، به اعتصاب دست زدن
Streikabwendung	ممانعت از اعتصاب
Streikaktion	عمل اعتصاب
Streikandrohung	تهدید به اعتصاب
Streikankündigung	اعلام اعتصاب
Streikaufruf	دعوت به اعتصاب ، فراخواندن به اعتصاب
Streikausschuß	کمیته اعتصاب
Streikaussetzung	قطع موقتی اعتصاب
Streikbeendigung	خاتمه دادن به اعتصاب
Streikbefehl	دستور اعتصاب
Streikbeginn	شروع اعتصاب
Streikbeihilfe	کمک هزینه اعتصاب
Streikbeilegung	فیصله دادن به اعتصاب
Streikbeschluß	تصمیم به اعتصاب

Streikbewegung	نهضت اعتصاب
Streikbrecher	اعتصاب شکن
Streikdauer	مدت اعتصاب
Streikeinstellung	خاتمه اعتصاب
streiken	اعتصاب کردن
Streikfonds	صندوق اعتصاب
Streikführer	رهبر اعتصاب
Streikgefahr	خطر اعتصاب
Streikgeld	مزد اعتصاب
Streikkasse	صندوق اعتصاب
Streikklausel	ماده، اعتصاب
Streikleitung	مدیریت اعتصاب
Streikmotto	عنوان اعتصاب
Streikparole	شعار اعتصاب
Streikposten	نگهبان اعتصاب
Streikrecht	حق اعتصاب
Streikschlichtung	فیصله اعتصاب با داوری
Streikverbot	منع اعتصاب
Streikverlängerung	تمدید اعتصاب
Streikwelle	موج اعتصاب
Streit parteiinterner - einen - schlichten - über Zuständigkeit	اختلاف ، مشاجره ، جروبحث اختلاف درون حزبی اختلافی را با داوری فیصله دادن جروبحث در باره صلاحیت
Streitfall einen - schlichten	(مورد) اختلاف ، (موضوع) اختلاف اختلافی را با داوری فیصله دادن
Streitgegenstand	موضوع اختلاف
Streitigkeiten friedliche Beilegung von - - regeln	اختلافات رفع مسالمت آمیز اختلاف اختلاف را فیصله دادن
Streitkräfte Alliierte -	نیروهای مسلح نیروهای مسلح متفقین

ausländische -	نیروهای مسلح خارجی
feindliche -	نیروهای مسلح دشمن
konventionelle -	نیروهای مسلح متعارفی
paramilitärische -	نیروهای مسلح شبه نظامی
reguläre -	نیروهای مسلح منظم / کادر ثابت
strategische -	نیروهای مسلح استراتژیک
taktische atomare -	نیروهای مسلح اتمی تاکتیکی
Auseinanderrücken der -	جدا شدن نیروهای مسلح ، قطع تماس نیروهای مسلح
Generalstabschef der -	رئیس ستاد نیروهای مسلح
Intervention der -	مداخله نیروهای نظامی
Machtübernahme durch die -	قدرت بدست گرفتن نیروهای مسلح
Oberbefehlshaber der -	فرمانده کل نیروهای مسلح
Putsch durch die -	کودتای نیروهای مسلح
- in Alarmzustand versetzen	به نیروهای مسلح آماده باش دادن
Streitkräftereduzierung	کاهش نیروهای مسلح
Streitmacht	نیروهای ضربتی
atomare -	نیروی ضربتی اتمی
Strömung	جریان
politische -	جریان سیاسی
Struktur	ساختار
föderalistische -	ساختار فدرالیستی
politische -	ساختار سیاسی
ökonomische -	ساختار اقتصادی
soziale -	ساختار اجتماعی
zentralistisch orientierte -	ساختار مرکز گرا
Strukturanalyse	تحلیل ساختار
Strukturarbeitslosigkeit	بیکاری ساختاری ، بیکاری مبتنی بر تغییر ساختار اقتصادی
strukturell	ساختاری
Strukturfaktor	عامل ساختار
Strukturkrise	بحران ساختاری
Strukturwandel	تحول ساختار
wirtschaftlicher -	تحول ساختار اقتصادی
industrieller -	تحول ساختار صنعتی
sozioökonomischer -	تحول ساختار اجتماعی اقتصادی
Studentenbewegung	نهضت دانشجویان
Studentenunruhen	ناآرامی دانشجویان ، اغتشاشات دانشجویان
Studienbeihilfe	کمک هزینه ، تحصیلی
Studienseminar	سمینار مطالعات ، سمینار تحصیلی
Studienzentrum	مرکز مطالعات ، مرکز تحصیل

Stuhl	کرسی
Heiliger -	کرسی مقدس ، مقام پاپ
päpstlicher -	کرسی پاپ
Sturz	سقوط
- der Regierung	سقوط دولت
- des Regimes	سقوط رژیم
- durch das Militär	سقوط بوسیله نظامیان
stürzen	برانداختن ، ساقط کردن
die Regierung -	دولت را برانداختن
stützen	حمایت کردن ، پشتیبانی کردن
Stützung	حمایت
- von Kursen	حمایت نرخ ها / قیمت ها
Stützungskäufe	خریدهای حمایتی
Stützmaßnahmen	اقدامات حمایتی
subjektiv	ذهنی
Subjugation	انقیاد
Subvention	سوبسید ، کمک بلاعوض
staatliche -en	سوبسیدهای دولتی
-en erhalten	سوبسیددریافت کردن
subventionieren	کمک بلاعوض /سوبسید دادن
Subventionierung	اعطای کمک بلاعوض ، اعطای سوبسید
Subventionspolitik	سیاست سوبسید دهی
Subversion	براندازی ، عملیات سرنگون سازی
subversiv	براندازنده ، سرنگون ساز
Sudanese	سودانی
sudanesisch	سودانی (صفت)
Südasien	آسیای جنوبی
Sudetendeutsche	آلمانیهای سودتی
Sudetengebiet	منطقه سودتها
Sudetenkrise	بحران سودت
Sudetenland	سرزمین سودت
Südostasien	آسیای جنوب شرقی

Südostasiengemeinschaft	جامعه آسیای جنوب شرقی
Südostasien-Kollektiv- Verteidigungspakt-Organisation oder: Südasiatisches Ver- teidigungsbündnis (meist kurz: SEATO)	سازمان پیمان دفاعی جنوب شرقی آسیا
Südostasien-Pakt	رک به مدخل قبل
Südtirolfrage	مسئله تیروول جنوبی
Suezkanal	کانال سوئز
Suez-Krise	بحران سوئز
Sukzessionsstaat auch: Nachfolgestaat	دولت جانشین
Sultan	سلطان
Sultanat	سلطان نشین
Sunna	سنت
Sunnit	سنی ، اهل تستن
Supermacht	ابر قدرت
supranational	فراملتی
suspendieren	بتعلیق در آوردن
Suspendierung	تعلیق
- von einem Amt	تعلیق مقام ، برکناری موقت تاتعیین تکلیف ، تعلیق از خدمت
Suzerän	مالک الرقاب ، کشوری که برکشورنیمه مستقل دیگر حکمروائی می کند
Suzeränität	حکمروائی بر کشور دیگر/ مالک رقابی
SWAPO (Abk.f.: South-West African People Organization, dt.: Südwestafrikanische Volks- organisation)	سازمان خلق افریقای جنوب غربی
Symbol	سمبل ، نماد ، رمز ، نشانه
symbolisch	سمبلیک ، نمادی ، رمزی نشانه ای
Sympathisant	هواخواه ، همدل
Sympathie	همدلی
sympathisieren	هواخواه بودن ، همدل بودن

Symposium	سمپوزیوم، کنفرانس علمی
Syndikalismus	سندیکالیسم
Syrer	سوری ، سوریهای
syrisch	سوریهای ، سوری (صفت)
System	نظام ، سیستم
autoritäres -	نظام اقتدارطلب
bundesstaatliches -	نظام فدرال
parlamentarisches -	نظام پارلمانی
politisches -	نظام سیاسی
staatenbündisches -	نظام کنفدراتیو
- zur Abwehr balli-	سیستم برای دفاع در برابر موشک های بالیستیک
stischer Flugkörper	سیستم / نظام امنیت جمعی
kollektives -	
Systemanalyse	تحلیل سیستم ، روش تجزیه و تحلیل جریان کار
systematisch	منظم ، بانظام ، مبتنی برنظام
systemimmanent	درون نظام
systemkonform	در خط نظام
systemkonträr	مخالف نظام
Systemkrise	بحران نظام